



نوشته از ع. بصیر دهبازاد

## معضله سو استفاده جنسی کودکان در مکاتب ولایت لوگر

از آسیب های روانی تا پروسه های عدلی و رنگ و بوی اتنیکی

موضوع سو استفاده جنسی کودکان در مکاتب لوگر قبل از آنکه به حیث یک معضله جدی و قابل دقت و از دید حمایت حقوق طفل و آسیب های جدی روانی بر طفل متضرر دیده شود، موضوع داغ پارلمان، وسایل اطلاعات جمعی و انترنتی قرار گرفت، صف بندی های منطقی و اتنیکی یکبار دیگر بالا گرفت و با کمال تأسف حتی حلقات روشنفکری ولایت لوگر این اتهامات را حتک حرمت به غیرت و نام و نشان مردم لوگر تلقی نموده عکس العمل های شدید، تا حد تهدید دو کارمند جامعه مدنی لوگر، از خود نشان دادند. قضیه تا حد تحریک مردمان محل در برابر این اتهامات انکشاف منفی داده شد. برای توضیحات و جهت سرد ساختن احساسات غیر قابل توجهیه سمتی و اتنیکی بر هر قضیه جرمی باید چند نکته را به تذکر گرفت.

مسأله تجاوز و سو استفاده جنسی کودکان و زنان یک موضوع جرمی و مرتبط به فرد است. موجودیت مردان که مجرمین جرایم متکرر جنسی اند هم هیچ ارتباطی به منطقه و اتنیک ندارد. البته گرفتن بعضی از جن های وراثتی از یک پدر، پدرکلان و یا نیکه به جنزیشن های بعدی دور از احتمال نیست ولی سو استفاده جنسی و ایده جرمی سو استفاده از اطفال در اکثر موارد مربوط میشود به اندازه رشد وجدانی و یا موجودیت هورمونهای که با عث ارتکاب مکرر جرم جنسی در برابر کودک در وجود فرد میشود که در ترمینولوژی حقوقی و اجتماعی بنام "پیدوفال" یاد میگردد. بناً موضوع فردی و مربوط میشود به مجرمان متکرر جرم استفاده جنسی از کودکان. این مجرمان در هر جا و منطقه و بین هر اجتماع اتنیکی میتواند وجود داشته باشند و هر زمانی این جرم شنی میتواند به وقوع بپیوندد.

سو استفاده کودکان در سطح جهانی یک معضله کوچک نیست. در هر کشور، بشمول کشور های اسلامی، بدون در نظر داشت تعلقیات های منطقی و اتنیکی روزانه صد ها و هزاران طفل معصوم قربانی جرم خشونت جنسی میشوند. شما حتی مثالهای خشونت جنسی و ارتکاب این گناه شدید در مساجد و توسط تعداد از ملا امامان را نیز نباید با چشم پوشی به هیچ بگیری.

در کشور ما افغانستان که همه از غرور اتنیکی و منطقی صحبت میکنند، در مناطق پشتون نشین، تاجیک نشین، هزاره نشین، ترکمن و اوزبک نشین و اقوام کوچکتر و شهر نسبی متمدن تر کابل روزانه صد ها کودک، دختر جوان و زنان قربانی جنون و خشونت جنسی و تعرض جنسی میگرددند که اکثر این جرایم از طرف متضرر و یا فامیل، به نسبت غرور، آبرو و حیثیت فامیلی خموش و کتمان باقی میمانند ولی فرد متضرر تعرض و خشونت جنسی در تمام زنده گی با صد ها معضله روانی، تا سطح تمایلات خود کشی رنج برده در زنده گی بد بخت میباشد. نباید هم از این واقعیت چشم پوشید که حتی سو استفاده جنسی در داخل خانواده ها دور از امکان نیست که ترم "انسپست" بدان بکار میرود.

به عقد نکاح دادن اطفال صغیر 12، 13، 14 و 15 ساله که در بعض مناطق افغانستان بیشتر به وقوع میپیوندد، یک میعضله ضد حقوق طفل و از دیدگاه حقوقی (عقد ازدواج با که خود یک عقد حقوقی

است، با طفل صغیر که هنوز از لحاظ رشد عقلی نمیتواند عواقب عقد را درک کنند و آنها هم صرفن با یک ولیل مهر و نفس تن به عقد نکاح میدهد که از محتوای آن چیزی نمیداند و تنها در م ضوع دادن نفس مطرح میشود) ، منکوحه حق ابراز مستقیم رضائیت بر عقد را ندارد که همان غیرت افغانی حتی مانع تطبیق مکمل شریعت اسلامی در عقد میگردد.

مسأله بچه بازی خشن ترین و شدیدترین جرم در برابر کودکان است که در ولایات ، تخار، لوگر، قندهار، بلخ، جوزجان و فاریاب و مناطق دیگر کشور بیداد میکنند، که همه و همه ناشی از کدام تعلقیات قومی و یا تعلقیات های خونی ناشی نمیکرد.

ولی موضوع سو استفاده جنسی کودکان در مکاتب لوگر توسط میدیا و لینک دادن موضوع به منطقه و تعلقیات اتنیکی یک اشتباه بزرگ از پارلمان، دستگاه عدلی و امنیت ملی بوده است که در مورد احساسات مردم عامه لوگر قابل درک است ولی باید هم گفت که برخورد با قضیه از زاویه تفکر غیرت و ننگ و هتک ارزش های منتطقوی و اتنیکی را نمیتواند دور از تفکر کهنه و نامتناسب با روند های تغیر و تحول کنونی کشور دانست. اما من احساس مسئولانه هر دو کارمند جامعه مدنی را بجا و قابل ستایش دانسته و از ایشان حمایت مینمایم.

جهات منفی و اشتباهات قضیه:

موضوع در یک زمان برق آسا در میدیا رخنه نمود و عکس العمل ها بیشتر رنگ قومی و منطقوی بخود گرفت، امنیت ملی به گرفتاری دو کارمند جامعه مدنی اقدام نمود ولی اصل مسأله ادعای ارتکاب جرم در برابر طفل اهمیت درجه سه را بخود گرفت و بر حسب معمول سیاست های افغانی ، موضوع یکبار دیگر مارک و چسپ سیاسی زده شد.

گروه پارلمانی تشکیل و با شتاب تمام به لوگر رفته تا تحقیق نمایند. بعد از برگشت ، آنها دوباره به دو قطب متقابل تقسیم و هر کدام موضع متقابل را کسب نمودند، و حتی گزارش دو کارمند جامعه مدنی ولایت لوگر را دروغ و بهتان دانسته ، تعقیب عدلی و قضائی آنها را تقاضا نمودند. در حالیکه اقدام پارلمان و سفر به لوگر یک اقدام کاملن قبل از وقت بوده است. اگر احتمالن این اعضای پارلمان با متضررین که ممکن مورد سو استفاده جنسی قرار گرفته باشند و با فامیل های شان، اشتباه بزرگ را مرتکب شده اند، چونگه برخورد با قضایای سو استفاده جنسی و تجاوزات جنسی و ناموسی در تمام کشور ها ایجاب دقت و برخورد خیلی ها محتاطانه را مینماید. و باید در قدم اول با متخصصین و کارشناسان عرصه حقوق و انکشاف جسمی و روانی طفل مشورت های لازم صورت گیرد که چگونهموضوع به بررسی گرفته شود:

1- طفل تنها با شخص مورد اعتماد خود بتواند با آرامش روانی، بدون احساس ترس و تشویش صحبت نماید و مطمئن باشد که موضوع محرم باقی خواهد ماند.

2- با متود ها و شیوه های تخصصی باید با طفل متضرر صحبت ها تنظیم گردد که طفل آماده ارئه معلومات باشد. در عرصه حمایت حقوق اطفال، نظر به سن طفل و درجه ذکاوت طفل این چنین صحبت ها و شیوه صحبت با متود خاص صورت میگردد.

3- باید به همه دقت، توجه شود که در وجود طفل از انکشاف احساس خوردی، مظلومیت و حقارت و احساس حقارت از برتر بینی قبلن جلوگیری شود و توجه شود که او متضرر و گناهکار نیست بلکه کسی دیگر عامل و مرتکب است. به بیان دیگر باید طفل اطمینان حاصل نماید که کسی را در پهلوی خود دارد.

4- طرح موضوع با والدین و افراد زیربط باید با تمام احتیاط و دقت صورت گیرد که والدین حمایت گر و نزدیک ترین و با اعتماد ترین شخص طفل باشند نه محکوم کننده و گناهکار شناختن طفل و استفاده نابجا و آسیب رسان خشونت، نفرت و حقیر شمردن طفل .

دومین اشتباه و حتک حرمت به احساس مسئولیت و موقف پر و جاهت به دو کارمند جامعه مدنی لوگراز جانب امنیت ملی بوده که فراقانونی و خارج از صلاحیت های پیشبینی شده در قانون و بدون در نظر داشت ارزش های قانون اساسی به تحت نظارت قرار دادن دو کارمند جامعه مدنی اقدام نمود و آنها را وادار به تغیر نظر و انکار از گزارش نمود. اگر این دستگاه تحت فشار اعضای پارلمان و افراد صاحب نفوذ به چنین اقدام فراقانونی دست زده باشند، قابل بررسی عدلی و قضائی اند.

باکنون دستگاه سارنوالی افغانستان میخواهد قضیه سو استفاده جنسی کودکان در مکاتب لوگر را تحقیق نماید. به نظر من خواست سارنوالی مبنی بر ارائه شواهد و اسناد توسط افراد و یا منابع هم بلند بالا به نظر میرسد. من بدین نظر هستم که باید قبل از همه یک گروه از افراد با اعتماد و صاحب تجربه با صحبت های محرم با متضررین احتمالی سو استفاده جنسی تحقیق را آغاز نمایند و آنچه:

با طفل چه واقع شد

چگونه و تا کدام حد استفاده جنسی پیشرفته است، آیا تهدیدات بعدی از جانب عامل وجود داشته است یا نه. روابط کنونی با عامل چگونه است

آیا در کردار و ظاهر طفل اثرات انکار، غضب، ترس و خموشی در کدام حد متظاهر است ؟ و دهها سوالات دیگر ، را طی گزارش به دستگاه عدلی ارائه بدارند.

آیا طفل ترس دارد که والدین اش از موضوع آگاهی داشته باشند و اگر در آگاهی قرار گیرند، چه واقع خواهد شد. اینها خیلی ها مهم اند چونکه اگر طفل مصاحبه میشود احساسی مصئونیت کامل نماید، نه اینکه تشویش ها و ترس جدید در ذهنش ایجاد گردد؟

بدون شک این پرونده جرمی الی حاضر ساختن شواهد و اسناد کافی برای دلایل الزام بر متهمین ممکن ماه ها و حتی بیشتر زمان را در بر گیرد ولی دستگاه سارنوالی و پولیس جنائی نباید این قضیه را تحت مرور زمان قرار داده در یخچالها بگذارند.

با حرمت